فصلنامه علمی ـ تخصّصی اسلام پژوهان
سال هفتم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۹

حقوق طبیعت و حیوانات از منظر قرآن کریم

حسن پاکدامن*

چکیده

با نگاهی به آیات، روشن می‌گردد که هیچ مکتبی مانند اسلام به محیط زیست و حراست از آن اهمیت نداده است. قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است؛ زیرا توجه انسان به طبیعت در حقیقت نگرش به جهان هستی است که باعث تفکر و اندیشیدن انسان می‌شود.

نابسامانی‌های موجود امروز در طبیعت و آلودگی‌های زیست‌محیطی، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. دین مبین اسلام، همان‌گونه که ارتباط انسان با خداوند و جامعه انسانی را بیان کرده است، چگونگی ارتباط و نحوه رفتار انسان با طبیعت و حیوانات را نیز بیان نموده است.

این مقاله حقوق محیط‌زیست و حیوانات از منظر قرآن را مورد بررسی قرار داده است؛ مسأله‌ای که در عصر حاضر با توجه به هجمه‌ی مدرنیته به منابع حیاتی بشر از جمله آب و هوا، مورد توجه همه‌ی اندیشمندان و دوستداران محیط سالم برای زندگی آدمیان قرار گرفته است؛ چنان‌که سلامت محیط زیست در تعالیم اسلام نیز جایگاه خاصی دارد. در این تحقیق روشن شده است که قرآن، حفاظت از محیط‌زیست عبادت می‌داند و انسان‌ها همواره باید در حفظ حریم طبیعت و حیوانات بکوشند.

بنابراین اکنون وظیفه ماست که این حقوق، روش‌ها و شیوه‌ها را آموخته و در حفظ و حراست از محیط‌زیست پیرامون خویش بکوشیم و آن را برای نسل‌های آینده حفظ نماییم.

واژگان کلیدی: قرآن، حقوق، طبیعت، محیط‌زیست، جانوران، حفظ و حراست .

---

* دانش آموخته سطح ۳ تاریخ اهلبیت(ع).

مقدمه

نقش محیط زیست در زندگی انسان بر هیچ‌کس پوشیده نیست و اسلام بر حفظ و حراست از آن تأکید ورزیده است؛ از این رو ضرورت داشت تا این مسأله تبیین و تفسیر شود که چگونه اسلام برای حیوانات و محیط زیست (آب، خاک و هوا) احترام قائل است و راهکارهایی را ارئه داده است که مهم‌ترین الگو برای جهانیان می‌تواند باشد. بنابراین تبیین نظرات اسلام در این باره، ضرورتی است انکارناپذیر که نیاز آن در جامعه امروزی به شدت احساس می‌گردد.

با نگاهی به آیات، روشن می‌گردد اسلام به سلامت طبیعت و حقوق حیوانات اهمیت ویژه‌ای قائل است. قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است؛ زیرا توجه انسان به طبیعت در حقیقت نگرش به جهان هستی است که باعث تفکر و اندیشیدن انسان می‌شود.

نابسامانی‌های موجود امروز در طبیعت و آلودگی‌های زیست‌محیطی، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. از سوی دیگر، فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود عامل تخریب محیط‌زیست گردیده است. این تخریب آن‌چنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات طبیعت و سایر موجودات زنده، حتی انسان را به خطر انداخته است.

دین مبین اسلام، همان‌گونه که ارتباط انسان با خداوند و جامعه انسانی را بیان کرده است، چگونگی ارتباط و نحوه رفتار انسان با طبیعت و حیوانات را نیز بیان نموده است.

جایگاه عناصر طبیعت در قرآن (سوگندهای قرآن)

سوگندهای قرآنی از وجوه اعجاز قرآن است که سرشار از آموزه‌های ارزشمند است. خداوند با این سوگندها از یکسو انسان را به تفکر و تدبر در امور عظیم فرا می‌خواند و از سوی دیگر، این سوگندها اصول اساسی دین (توحید، نبوت و معاد) را به اثبات می‌رساند تا جای هیچ شک و شبهه‌ای برای انسان‌های دیرباور باقی نماند.

خداوند با قسم به ملائکه عظیم و با اقتدارش «توحید» را، و با سوگند به قرآن، «نبوت» را و با سوگند به «طور، کتاب مسطور، بیت معمور و...»، «معاد» را از امور محقّق و حتمی‌الوقوع معرفی کرده است. سوگندهای قرآنی اکثراً از آیات مکی‌اند و این نشان می‌دهد که خداوند در ابتدای نزول قرآن با اهل مکه به شیوه استدلال سخن نگفته است؛ زیرا زمینه این‌گونه بحث‌ها نبوده و از سوی دیگر در نزد اعراب، سوگند یاد کردن رواج داشته است؛ لذا خداوند با این شیوه بیانی با آنان سخن گفته است تا دل آنان را نرم و توجه آنان را به آیات الهی جلب نماید.

قرآن کریم به طور معمول، تنها به موضوعات مهم و کلّی پرداخته و بیان جزئیات و تفسیر آن مطالب را بر عهده بزرگان دین نهاده است؛ با وجود این، در حدود پانصد آیه قرآن کریم از طبیعت، آموزه‌های طبیعت و شیوه‌های برخورد انسان با آن، بحث کرده است.[1]

معرفی طبیعت، نهی از فساد در طبیعت، کیفیت شکل‌گیری و آفرینش طبیعت، انسان و طبیعت، طبیعت و ادامه حیات، درس‌آموزی از طبیعت، چگونگی تعامل با طبیعت و ده‌ها موضوع دیگر، همگی نشان‌دهنده اهمیت طبیعت در زندگی انسان از دیدگاه قرآن است.

---

۱. فضلان ام‌خالد و جوان ابراین، اسلام و محیط زیست، ص۱۶.

در قرآن کریم به مقتضای مقام، در موارد مختلف بـه برخـی از پدیـده‌هـای طبیعی، سوگند یاد شده است، از جمله خورشید، ماه، سـتاره، روز، شـب، زمـین، آسمان، صبح، شام، بادها و... که در ادامه به برخی از ایـن آیـات اشـاره خـواهیم نمود. خداوند متعال با لطافت و ظرافت خاصی از این شیوه بیـانی ـ سـوگند بـه مخلوقات و جلوه‌های طبیعت ـ استفاده کرده است. در حقیقت این شیوه بیـانی سوگندهای قرآنی، از جنبه‌های اعجاز قرآن می‌باشد.

تحقّق قیامت در بسیاری از آیات با سوگندهای عظیم و استوار، مورد تأکیـد و اثبات قرار گرفته است که نشـانگر اهمیـت «معـاد» اسـت. مشـرکان و منکـران قیامت با ترفندهای مختلفی درصدد انکار قیامت بودنـد؛ خداونـد بـا طـرح ایـن مسأله مهم در آیات مختلف، سخن آنان را ابطال ساخته، وقوع قیامت را یک امـر قطعی و یقینی و یک امر لازم و ضروری معرفی نموده است: ﴿وَ الـذَّارِیاتِ ذَرْواِ ... إِنَّما تُوعَدُونَ لَصادِقٌ وَ إِنَّ الدِّینَ لَواقِع﴾[1]: سوگند به بادهـای ذره افشـان ... کـه آنچـه وعده داده شده‌اید راست است و روز پـاداش واقعیـت دارد». (خداونـد در ایـن آیات به برخی از امور طبیعی که ادله روشنی بر ربوبیت، هدایت و عظمت قدرت او دارد، قسم یاد کرده تا آمدن روز «بعث» و روز «حساب» را به اثبات برساند)

خداوند رمز سعادت انسان را با سوگندهای یازده‌گانه، از جمله سـوگند بـه خورشید و ماه در سوره شمس بیان می‌کند. عظمت این امر به حـدی اسـت کـه انسان با تربیت، تزکیه نفس و پرورش استعدادهای درونی‌اش، مـی‌توانـد خلقـت نیکوی خود را حفظ کند و در مرتبـه‌ای بـالاتر از همـه موجـودات قـرار گیـرد. براستی که سعادت حقیقی انسان در گرو «تزکیه نفس» است: ﴿وَ الشَّمْسِ وَ ضُـحاها وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها وَ النَّهارِ إِذا جَلاَّها وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها وَ السَّماءِ وَ ما بَناها وَ الْـأَرْضِ وَ مـا طَحاها وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها قَدْ أَفْلَـحَ مَـنْ زَکَّاهـا وَ قَـدْ خـابَ مَـنْ

۱ . ذاریات: ۶ـ۱.

دَسَّاها﴾[1]؛ سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه چون پی(خورشید) رود و... پس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً درباخت.

خداوند در سوره تین با قسم به چهار عنصر از طبیعت (انجیر، زیتون، طور سینین، بلد امین یعنی شهر مکه) خلقت انسان را بهترین خلقت معرفی می‌کند و او را در مرتبه‌ای بالاتر از موجودات دیگر قرار می‌دهد.

دو پدیده عظیم و شگرف «شب و روز» یکی دیگر از مصادیق سوگندهای الهی است که خداوند در هفت[2] سوره از قرآن به آنها سوگند یاد کرده، تا از این رهگذر و بکارگیری قدرت اندیشه و تفکر آنان، بر معرفت آنان بیفزاید، از جمله: ﴿كَلاَّ وَ الْقَمَرِ وَ اللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَ الصُّبْحِ إِذا أَسْفَرَ﴾[3]؛ نه چنین است (که می‌پندارید!) سوگند به ماه و سوگند به شامگاه چون پشت کند و سوگند به بامداد چون آشکار شود.

خداوند به دو پدیده شب و روز، به شب آن هنگام که گسترده می‌گردد و همه چیز را غرق تاریکی می‌سازد و به روز در آن هنگام که تجلی یافته و همه چیز را ظاهر و آشکار می‌سازد، سوگند یاد کرده و معارف و حقایق مهمی را بیان نموده است. همچنین در قرآن در چهار[4] سوره به «ستاره» سوگند یاد شده است، از جمله: ﴿وَ النَّجْمِ إِذا هَوى﴾[5]؛ سوگند به اختر چون فرود می‌آید.

---

۱ . شمس: ۱ـ۱۰.

۲ . ر.ک: تکویر: ۱۶ـ۱۵؛ انشقاق: ۱۸ـ۱۶؛ فجر: ۲ـ۱؛ شمس: ۳ـ۴؛ لیل: ۱ـ۲؛ ضحی: ۲ـ۱؛ مدثر: ۳۲ـ۳۴.

۳ . مدثر: ۳۲ـ۳۴.

۴ . ر.ک: واقعه: ۷۵؛ تکویر: ۱۹ـ۱۵؛ طارق: ۱ـ۴؛ نجم: ۱.

۵ . نجم: ۱.

طبیعت، درس هستی‌شناسی

دعوت از ابنای بشر به تحقیق و مطالعه در طبیعت و وسیله بودن طبیعت برای شناختن خدا و ماوراء طبیعت و توجه دادن فکر بشر به طبیعت و پدیده‌های خلقت به عنوان آیات معرفت الهی، یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن است و در اینکه قرآن اصرار و ابرام فوق‌العاده دارد که مردم، زمین و آسمان و گیاه و حیوان و انسان را کاوش کنند و مورد جستجوی علمی قرار دهند، جای سخن نیست.

از نظر قرآن، طبیعت در مقابل آدمی عکس‌العمل نشان می‌دهد: ﴿و السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ﴾[1]؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌هامی گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

آثار طبیعی، درسی برای خداشناسی

نشانه‌های موجود در طبیعت، آشکارا هر صاحب خردی را به سوی پروردگار رهنمون می‌سازد. قرآن کریم نیز در موارد گوناگون، همین آثار طبیعی را برای بی‌غرضان، درس کامل توحید می‌داند: ﴿إِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ الْفُلْكِ الَّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ بِما يَنْفَعُ النّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْيا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فيها مِنْ كُلِّ دابَّةٍ وَ تَصْريفِ الرِّياحِ وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾[2]؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی

---

۱ . اعراف: ۹۶.

۲ . بقره: ۱۶۴.

که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.

طبیعت آن قدر پرمحتواست که حتی بسیاری از دلایل عقلی اثبات وجود خدا، در جهان طبیعت ریشه دارد. در حقیقت، اصل عظمت هستی و معجزه خداوند، آفرینش طبیعت است؛ هر چند که ما در این جهان صنعتی، آن‌قدر به پدیده‌های طبیعی عادت کرده‌ایم که فقط اختراعات صنعتی خود را شگفت‌آور می‌پنداریم؛ ازاین‌رو، به این دلیل که طبیعت، همواره بدون هیچ چشم‌داشتی در خدمت ما بوده است، هیچ‌گاه بزرگی و شگفتی آن را درک نکرده‌ایم.

رستاخیز، آشکارترین درس طبیعت

آشکارترین درس طبیعت، نمایش تابلو کوچکی از رستاخیز الهی است. تجربه‌های فراوانی از قیامت در دل طبیعت، جایی برای شک کردن در روز معاد باقی نمی‌گذارد. طبیعتِ مرده فصل زمستان که گویی بویی از حیات نبرده، با نسیمی بهاری، چنان با طراوت می‌شود که گویا هیچ زمستانی به خود ندیده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذلِکُمُ اللّهُ فَأَنّی تُؤْفَکُونَ﴾[1]؛ خداوند، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده خارج می‌سازد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؛ این است خدای شما! پس چگونه از حقّ منحرف‌می شوید؟!

این نظم بی‌همتا، این همگونی بی‌نهایت و این همرازی آسمان و زمین و کوه و دریا و همه ذرات وجود، به یقین تصادفی نیست؛ بلکه تصویری است از حکمتی بی‌پایان، دانشی بی‌انتها، قدرتی بی‌نظیر و لطفی بی‌نهایت که در آینه خلقت، افتاده است. این همه، آینه‌ای از دلربایی یاری است که من و تو را به

---

۱ . انعام: ۹۵.

سوی خود می‌خواند و حضورش را به ما می‌باوراند. پس باید در این آینه به چشم دل بنگریم.

طبیعت به عنوان مخلوق و آفریده حضرت باری‌تعالی در قرآن بسیار مطرح شده است، از جمله در بیش از ۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره شده و آنها را نشانه‌های خداوند معرفی کرده است. اسلوب قرآن در توصیف طبیعت و اعجاز علمی قرآن در بیان مسائل طبیعی، باعث حیرت و شگفتی اندیشمندان و صاحبان علم گشته و موجب می‌گردد که آنان سر تعظیم و تسلیم در برابر قدرت لایتناهی او فرود آورند.

یکی از اهداف قرآن در بیان طبیعت و زیبایی‌های آن، این است که انسانی را که ممکن است در دام غرور و عجب و خودخواهی گرفتار شود، از دام شیطانی غرور برهاند و نور ایمان را در دل او ایجاد نماید. هدف دیگر قرآن از بیان طبیعت آن است که انسان سرگردان و حیرت‌زده را به معاد و روز رستاخیز رهنمون سازد و به او بفهماند که خدایی که حکیم است و حکمت از صفات ثبوتی او می‌باشد، نمی‌تواند پایان و نتیجه‌ای زیبا برای خلقت و آفرینش طبیعت در نظر نگرفته باشد؛ طبیعتی که در فصل زمستان ظاهراً می‌میرد و سرسبزی و نشاط و شادابی خود را از دست می‌دهد، اما دوباره در فصل بهار زنده می‌شود و جان دیگر می‌گیرد.

از اهداف دیگر قرآن در بیان طبیعت و پدیده‌های آن، این است که مردم را به این پدیده‌ها آگاه سازد و چراغی باشد تا راه تحقیق و پژوهش را برای آنان میسر نماید تا مردم بتوانند از این اشارات کوتاه قرآن درباره طبیعت بهره بگیرند و بتوانند درباره این پدیده‌ها به تحقیق و علم‌آموزی بپردازند؛ بدین خاطر از پدیده‌های طبیعی مثل (آب، زندگی دوباره طبیعت، طبقات آسمان‌ها، زمین و ویژگی‌های آن و رنگ‌ها) یاد می‌کند تا انسان‌ها بتوانند با نگاه حکیمانه به این

پدیده‌ها راه علم را در پیش گیرند و درباره ماهیت این پدیـده‌هـا، تفکـر و تأمـل نمایند.

در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه درباره زمین وجود دارد و در این آیات، امتیـازات و امکانات زمین، قبل از باران و پس از نزول باران بیان شده تا خصوصیات زمین را نسبت به سایر کرات بیان دارد. یا وجود رنگ‌ها در قرآن و توصیف رنگ‌ها در قرآن، انسان را به تحقیق و تفکر وادار می‌کند که علت پیدایش رنگ‌ها چیست؟ و چرا قرآن درباره رنگ زرد می‌فرماید برای بینندگان و تماشاگران تولیـد شـادی و مسرت می‌کند.[۱]

قرآن در توصیف ساکنان بهشت از رنگ سبز استفاده می‌کند[۲]؛ و یا از رنـگ سفید به نیکویی یاد می‌کند هنگامی‌که از نوشیدنی‌های اهل بهشت یاد مـی‌کنـد.[۳] مردم با دقت در آیات قرآن، درباره وجود رنگ‌ها و تنوع آنان باید دریابند که چرا قرآن از رنگ‌های شادی‌آور مثل (سفید، زرد و سبز) استفاده می‌کند.

از دیگر مواضعی که قرآن انسان‌ها را به تأمل و دقت در آثار طبیعت دعوت کرده است آسمان، ماه و ستارگان است، زیرا انسان وقتی با دقت به آسـمان‌هـا و طبقات آن می‌نگرد و زیبایی‌های آن را در می‌یابد علاوه بر درک توحید و قدرت خداوند تبارک و تعالی، مجبور می‌شود که در چگونگی این واقعیت‌ها اندیشـه و تأمل نماید و به تحقیق و پژوهش در این باره بپردازد. در حقیقت، علـم نجـوم و ستاره‌شناسی محصول این نوع تفکر و نگرش انسان به آسـمان، مـاه و سـتارگان است.

---

۱ . ر.ک: بقره: ۶۹.

۲ . ر.ک: الرحمان: ۷۶.

۳ . صافات: ۴۶.

ارتباط متقابل انسان و طبیعت با تکیه بر آیات قرآنی

انسان، اشرف مخلوقات و تمام پدیده‌های طبیعی برای او آفریده شد. خداوند آسمان و زمین، دریاها و کوه‌ها را مسخّر او قرار داده تا از آنها به شیوه مناسب و منطقی بهره‌برداری نماید، لذا جا دارد که ارتباط آنها مورد بررسی قرار گیرد.

رابطه انسان با طبیعت

رابطه انسان با طبیعت، رابطه تسخیری است نه رابطه قهر و قسر.[1] خداوند می‌فرماید: هر یک از موجودات، خاصیت و اثر ویژه خود را دارند، اگر انسان آن خاصیت را شناخت و آن را درست هدایت و رهبری کرد، در حقیقت آن موجود را تسخیر نمود: ﴿أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ﴾[2]؛ پروردگاری که انسان را آفرید، آسمان و زمین و مجموعه نظام کیهانی را دستور داد تا انسان کامل پیروی کنند، اما اگر انسان بار امانت را درک نکرد و خیانت در امانت الهی نمود، مجموعه نظام کیهانی از او ارزشمندتر و همین نظام کیهانی دشمن او و او را به کام مرگ فرو می‌برد؛ چنان‌که آب به فرمان الهی فرعون را غرق نمود: ﴿فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ ما غَشِيَهُم﴾[3]، ﴿فَنَبَذْناهُمْ فِي الْيَم﴾.[4]

---

۱ . قسر و قهر، فشار و شتاب تحمیلی از بیرون است، مانند حرکت سنگ به طرف بالا با فلاخن که با فشار و تحمیل مبدأ خارجی و بدون علم و اختیار سنگ است و برخلاف اقتضای طبیعت از او صادر می‌شود. اما تسخیر در جایی است که فعل، ملائم با طبع فاعل است و فاعل برای آن کار خلق شده است و عامل بیرون، آنچه را که مقتضای طبیعت اوست، خردمندانه از او طلب می‌کند، مانند کار باغبان در هدایت آب از سینه کوه به درختان که برعکس به صورت فوّاره فاعلیت بالقسر می‌باشد.

۲ . لقمان: ۲۰. (البته تسخیر کننده بالذات و اصیل خداوند است که جهان طبیعت را نرم و ذلول و مسخّر انسان گرداند)

۳ . طه: ۷۸.

۴ . ذاریات: ۴۰.

گاهی نیز این آب، تحت تسخیر انسان خردمند وسیله پرورش جانداران می‌شود: ﴿وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾[1]؛ بنابراین رابطه انسان با طبیعت، وقتی امین خدا باشد، تسخیری است ولی اگر انسان خیانت کند، همه پدیده‌های نظام هستی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند.[2]

رابطه انسان و طبیعت با خداوند

انسان و طبیعت، بلکه همه موجودات عالم امکان به دلایل عقلی و نقلی وابسته به خداوند هستند. اگر انسان مالک هستی خود بود، هر تصرفی را که در امور خویش می‌کرد و هر رذیله‌ای را که بر نفس خود تحمیل می‌نمود و هر ملکه ناپسندی را ـ همانند کبر، عجب، حسد، ریا و... ـ در هویت خویش ایجاد می‌کرد، نمی‌توانست مصداق ظلم باشد. ظلم در جایی است که شخص، خودسرانه در حق دیگری تصرف کند و بی‌اجازه او به حقوق و دارایی وی تجاوز کند؛ نه آنکه در مال و حق خود تصرف کند. پس، معلوم می‌شود هویتی که در اختیار بشر است، متعلق به خدا و ملک او و امانتی الهی است و انسان امانتدار خداوند است، لذا تصرف ناروا در آنها مصداق ظلم می‌شود. اگر چنین است پس به طریق اولی نسبت به سایر موجودات نیز نمی‌تواند تصرف زیان‌آوری داشته باشد و انسان برای برقراری ارتباط با آنها (طبیعت، محیط زیست، کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی و...) نیز به اذن الهی محتاج است که رسولان الهی در قالب دین به تبیین آن اقدام نمودند.[3]

---

۱ . انبیاء: ۳۰.

۲ . جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، صص ۱۶۸ـ۱۶۵.

۳ . همان، صص ۱۷۲ـ۱۶۹.

یکی از مبانی حقوق بشر در تفکر اسلامی، پیوند خاص انسان با جهان و وظیفه او نسبت به نعمت‌های الهی در این جهان است.[۱] برای تبیین وظایف حقوقی انسان، باید رابطه انسان نسبت به جهان و تکلیف وی در برابر نعمت‌های هستی را شناخت که برای رستگاری و صلاح است که جهان مسخّر او شد: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾[۲] و یا برای زورمداری و برتری جویی: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى﴾[۳]؛ که اگر مراد اولی باشد توشه راه تقواست ﴿تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾[۴] و اعتراف به ربوبیت الهی است و اگر مراد دومی باشد سخنی از ربوبیت فراگیر خداوند در میان نیست و چرایی و چگونگی رام بودن همه جهان را درک نمی‌کند.

یکی از نتایج بینش قرآنی در این مورد آن است که در استفاده از جهان و نعمت‌هایش نمی‌توان به گونه‌ای عمل کرد که با صلح و مسالمت، ناسازگار باشد. فرایند صنعتی شدن، هرگز نباید به تخریب جهان منتهی شود که نمونه بارز آن، عمل سلیمان، داود و ذوالقرنین می‌باشند که از موهبت الهی استفاده کردند و در اندیشه تهاجم و تخریب هم نبودند.[۵]

اصل ارتباط متقابل عمل انسان و طبیعت در آیات قرآن کریم

در دو آیه از قرآن کریم بحث تغییر و تبدیل نعمت است که به تغییر نفس برمی‌گردد و راز وابستگی تغییر نعمت به تغییر نفس، آن است که نفسانیات انسان با حوادث خارجی رابطه‌ای مستقیم دارند:

---

۱. البته گاهی خداوند مردمان بدکار را نیز به عنوان استدراج، مشمول نعمت‌های خویش قرار می‌دهد.(نحل: ۱۲؛ قریش، ۱ـ۴) و اگر از نعمت اقتصاد و امنیت برای سعادت خویش بهره نگیرند به ناامنی و گرسنگی دچار می‌شوند.

۲. اعلی: ۱۴.

۳. طه: ۶۴.

۴. بقره: ۱۹۷.

۵. جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، صص ۱۷۸ـ۱۷۳.

یکم) ﴿لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذا أَرادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوْءاً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ والٍ﴾.[1]

دوم) ﴿ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّراً نِعْمَةً أَنْعَمَها عَلى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيم﴾.[2]

انسان مصداق آیه ﴿إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَة﴾[3] به عنوان جانشین خداوند روی زمین که از جهت علمی ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها﴾[4] و از لحاظ عملی ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيها فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾[5] می‌باشد. خلقت انسان هدفمند و برای آنکه بستر مناسبی برای زندگی بشر فراهم شود، خداوند مواد خام را در سفره طبیعت خلق و به انسان هوش و خلاقیت داد تا از این مواد به بهترین وجه بهره‌مند شود. عقل را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داد تا آگاه به وجود این مواد خام و چگونگی استفاده از آن شده و سپس زمین را آباد و محیط زیست را سامان بخشد.[6] در این راستا به برخی از آیات الهی که دلالت بر رابطه عمل صالح و حوادث گوارا دارند اشاره می‌کنیم:

الف) ﴿وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً﴾.[7]

---

۱ . رعد: ۱۱.

۲ . انفال: ۵۳.

۳ . بقره: ۳۰.

۴ . بقره: ۳۱.

۵ . هود: ۶۱.

۶ . جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص۲۷.

۷ . جن: ۱۶. (به بیان آیت الله جوادی آملی این آیه سند زنده برای معقول بودن نماز استسقاست؛ هر چند ماء غدق فقط باران نیست بلکه پرآب‌شدن سرچشمه قنات‌ها و چاه‌ها نیز از مصادیق آن است)

آیه شریفه، پایداری بر راه راست را سبب بهره‌مندی از آب فراوان می‌داند که مزارع، مراتع، جنگل‌ها، حیوانات و انسان‌های تشنه را سیراب می‌کند. پس خداوند با کارهای نیک، ملتی را از برکات مادی بهره‌مند می‌سازد؛ چنان‌که افتادن جامعه در دام گناهان، ممکن است موجب پایین رفتن آب‌ها شود که صنعتگران هم به آن دسترسی نداشته باشند.

ب)﴿وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾[1] ایمان و عمل به دستورات کتب الهی، با برخورداری از نعمت‌های آسمانی و زمینی، ارتباط مستقیم دارند.

ج) ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ﴾.[2]

ایمان و تقوای اهل زمین، موجب گشایش درهای برکات آسمان و زمین به روی آنهاست. به هر روی، خواه مقصود آیه مسائل علمی باشد یا عملی و مسائل علمی نیز علم حصولی باشد یا حضوری، همگی از مصادیق امور خارجی است و رابطه اعمال نیک انسان (ایمان و تقوا) با رویدادهای گوارای جهان را می‌فهماند.[3]

د) ﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقاناً وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾.[4]

ه) ﴿إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾.[5]

این دو آیه به صورت اصل کلّی، رابطه عمل نیک هر فرد با نتایج خوب آن را در همین دنیا بیان می‌کند. البته در جواب شبهه برخورداری غیر اهل ایمان و تقوا (یعنی کافران) از برکات آسمان و زمین، باید گفت که سخن آیات از برکت

---

۱ . مائده: ۶۶.

۲ . اعراف: ۹۶.

۳ . جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص۱۹۰.

۴ . انفال: ۲۹.

۵ . یوسف: ۹۰.

می‌باشد و مالی برکت دارد که حلال بوده و در مسیر سعادت و کمال انسان باشد نه مطلق مال.[1]

از مجموع آنچه دربارهٔ هستی و طبیعت و رابطهٔ آنها با انسان بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که جهان هستی که مخلوق و مملوک خداوند حکیم است، براساس حق و قوانین و سنت‌های الاهی اداره می‌شود و به سوی غایتی ارزشمند در حرکت است. همهٔ اجزای عالم هستی ـ از جمله طبیعت و انسان ـ ارزشمند، به هم پیوسته و دارای نظامی هماهنگ و موزون بوده، در احاطه کامل خداوند قرار دارند. همچنین افزون بر بُعد مُلکی و دنیوی، دارای بُعد ملکوتی و معنوی هستند و از نوعی شعور و هوشمندی برخوردارند. عالم هستی و طبیعت، که تجلی و آیت خداوند و راهی برای شناخت خدای تبارک و تعالی هستند، به حق آفریده شده و پوچی و بی‌معنایی در آن راه ندارد. طبیعت، مادهٔ اولیهٔ خلقت انسان و مُسخّر، رام، بستر آرامش، آسایش و زمینهٔ شکوفایی و آمادگی برای حیات اخروی همهٔ انسان‌هاست.

بر اساس مبانی مربوط به انسان و طبیعت و رابطهٔ آنها از دیدگاه قرآن و برخی مبانی ارزش‌شناختی اسلام، می‌توان چارچوب نظریه اخلاق محیط زیستی اسلام را به اختصار چنین بیان کرد:

۱. نظام هستی، که طبیعت و انسان جزئی از آن هستند، مخلوق و مملوک خداوند متعال است و با تدبیر حکیمانه او به طور کامل حفظ و اداره می‌شود.

۲. این نظام، که غایت و هدفی حکیمانه و مشخص دارد، نظامی هماهنگ و موزون است. همهٔ اجزای آن براساس قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر الاهی با هم پیوسته و مرتبط‌اند و با یکدیگر تعامل دارند.

---

۱ . جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص۱۹۲. (تفصیل از ۱۹۱ تا ۱۹۵).

۳. همهٔ اجزای هستی، از جمله طبیعت و انسان، به بیان فلسفی، به مقدار بهرهٔ وجودی، و به بیان کلامی، به مقدار افاضه و عنایتی که خداوند به آنها نموده است، ارزشمندند.

۴. نوع بشر، با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند به او عنایت فرموده، برترین مخلوقات خداوند است.

۵. خداوند طبیعت را در جهت تأمین مصالح انسان، مسخّر او نموده و به انسان حق تصرف و استفادهٔ از آن را در جهت دستیابی به کمال نهایی‌اش اعطا فرموده است.

۶. توانایی عقل‌ورزی، اختیار و انتخاب آگاهانه و کمال‌یابی بی‌نهایت، زمینهٔ مسئولیت انسان را در برابر همهٔ نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته، فراهم کرده است.

۷. اگر انسان از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نعمت‌های خدادادی، به‌درستی و مطابق دستورات الاهی بهره بگیرد، به کمال نهایی و قرب الاهی نایل می‌گردد و در غیر این صورت، حتی از چهارپایان نیز فرومایه‌تر خواهد شد.

۸. شأن، ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی، از میان مخلوقات، فقط به انسان اختصاص دارد؛ زیرا فقط او دارای قدرت اختیار و انتخاب و هدف آگاهانه است. سایر مخلوقات، هرچند از نوعی شعور، آگاهی و انتخاب برخوردارند، اما این شعور و آگاهی و انتخاب، طبیعی یا غریزی است و آن گونه نیست که موجب شأن، ارزش، حق، و مسئولیت اخلاقی برای آنها شود.

۹. مسئولیت اخلاقی انسان در برابر طبیعت، برحسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی او در زمین و نیز به موجب قاعدهٔ تلازم میان حق و تکلیف، در قبال حق تصرف و بهره‌برداری از طبیعت است؛ حقی که خداوند به انسان عنایت فرموده است.

اهمیت حیوانات در قرآن‌کریم

واژه «حَیَوان»[1] در قرآن تنها یک بار و به معنای زندگی حقیقی به کـار رفتـه که ناظر بر جهان آخرت است. اما انواع حیوان، به معنای رایج آن، به دفعـات در قرآن ذکر شده است. پنج سوره از قرآن، به دلیل ذکر نام پنج نوع از حیوانـات در آنها، به همین نام خوانده شده است: بَقَره (گاو)، نَحل (زنبـور)، نَمْـل (مورچـه)، عنکبوت و فیل.

افزون بر آن، در آیات زیادی درباره حیوانات به جهت منافعی که برای بشر دارند، سخن گفته شده است که با پیشرفت علوم امروزی برخی از ایـن منـافع را دانشمندان به دست آورده‌اند. اسامی این حیوانات و آیات مربوط به آن در جدول ذیل به زیبایی مرتب گردیده است:

نام حیواناتی که در قرآن آمده است	سوره	آیه
بقره(گاو)	بقره: آیات۶۷؛۶۸؛۶۹؛۷۱	إِنَّ اللَّـهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً يَقُولُ * إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ * إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ * إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ
کلب (سگ)	مائدة: آیه۴؛ اعراف: آیه۱۷۶؛ کهف: آیه۱۸ـ۲۲	عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ * فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ * وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ * رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ
هدهد (شانه‌به‌سر)	نمل: آیه۲۰	مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ
فیل	فیل: آیه۱	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ
نحل(زنبور)	نحل: آیه۶۸	أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ
عنکبوت	عنکبوت: آیه۴۱	مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّـهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ

۱ . عنکبوت: ۶۴.

حمار(الاغ)	بقره: آیه۲۵۹؛ جمعه: آیه۵	وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ * مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ
نمل(مورچه)		أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا * وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا...
ابل(شتر)	غاشیة: آیه۱۷؛ بقره: آیه۱۰۲؛۲۶۱؛۲۶۴؛۲۶۵؛ انعام: آیه۱۴۴	أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا * وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ * وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ * وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّـهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
ابابیل(پرستو)	فیل: آیه۳	وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ
خنازیر(خوک)	مائده: آیه۶۰	وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ
ذئب(گرگ)	یوسف: آیه۱۳؛۱۴؛۱۷	وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ * قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ * فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ
بعوضه(پشه)	بقره: آیه۲۶	إِنَّ اللَّـهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا
غراب(کلاغ)	مائده: آیه۳۱؛ فاطر: آیه۲۷	فَبَعَثَ اللَّـهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ * أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّـهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ... وَغَرَابِيبُ سُودٌ
فراش(پروانه)	بقره:آیه۲۲؛ قارعه: آیه۴	الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا * يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ
قرده(میمون)	بقره: آیه۶۵؛ مائده: آیه۶۰؛ اعراف: آیه۱۶۶	كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ * وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ * كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ
سلوی(پرنده بهشتی، بلدرچین)	بقره: آیه۵۷؛ اعراف: آیه۱۶۰؛ طه: آیه۸۰	وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى * وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى * وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى
ذباب(مگس)	حج: آیه۷۳	لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ

الف. تدّبر در خلقت چهارپایان و حیوانات اهلی

حیوانات زندگی تنگاتنگی با انسان دارند و بشر همواره نه تنها از هم‌زیستی با آنها سوده برده بلکه معمولاً مجبور به این هم‌زیستی است. ازاین‌رو قرآن کریم نیز بر آن انگشت گذارده و در مقاطع مختلف انسان را متوجه این نعمت و مبدأ آفرینش آن می‌کند. خداوند حیوانات را برای انسان و رفع نیازهای او آفریده، چنان‌که در قرآن بیان فرموده: ﴿وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعامِ ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ﴾[1]: و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد. منظور از هشت زوج گوسفند نر و ماده و بز نر و ماده و گاو و شتر نر و ماده و تعبیر ﴿أَنْزَلَ لَكُمْ﴾ نعمتی است که از حاکم بالاتر به مقام پائین‌تر داده می‌شود. لذا این معنا را می‌رساند که هدف اصلی خلقت چهارپایان، انسان‌ها بوده‌اند. لذا در جای‌جای قرآن ما را نسبت به خلقت حیوانات به تفکر واداشته است.

در فلسفه آفرینش آنها چه کسی آنها را آفریده؟ و هدف از آن چه بوده؟ و در رفتار و قدرت حیوانات چه کسی این قدرت را به آنها داده؟ مثلاً در مورد شُتر که قرآن بیان کرده، آیا شُتر با این همه شگفتی هایش خود به وجود آمده؟ آیا بیهوده آفریده شده؟ آیا انسان در برابر نعمت‌های دور و نزدیک بی‌مسئولیت خواهد بود؟ به تحقیق روزی فرا خواهد رسید که انسان به سوی پروردگارش برود و از او سؤال خواهد شد.

قرآن و دعوت انسان به تفکر در خلقت برخی حیوانات

خداوند در قرآن کریم در سوره غاشیه می‌فرماید: ﴿أَ فَلا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾[2]: آیا آنان به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟

۱. شتر

چند نکته قابل استفاده از این آیه:

---

۱ . روم: ۶.

۲ . غاشیه: ۱۷.

یکم: به مسأله آفرینش شتر تکیه شده، زیرا روی سخن در مرحله اول به اعراب مکه بوده که شتر همه چیز زندگی آنها را تشکیل می‌داده و شب و روز با آن سروکار داشتند.

دوم: منظور از «نظر» در جمله ﴿أَ فَلا يَنْظُرُونَ﴾ نگاه کردن عادی نیست بلکه نگاهی توأم با تفکر و اندیشه و دقّت است؛ علاوه بر آنکه این حیوان ویژگی‌های عجیبی دارد که او را از حیوانات دیگر متمایز می‌کند، از جمله اینکه:

ـ بعضی حیوانات تنها از گوشتشان استفاده می‌شود و بعضی دیگر غالباً از شیرشان و بعضی هم تنها در سواری و عده‌ای هم برای باربری مورد استفاده هستند، اما شتر حیوانی است که تمام این جهات در آن جمع است.

ـ شتر جزء نیرومندترین و مقاومت‌ترین حیوانات اهلی است که بار زیادی با خود حمل می‌کند و می‌برد و عجیب اینکه به هنگامی که خوابیده بار سنگینی را بر او حمل می‌کنند، او با یک حرکت بر می‌خیزد و روی پا می‌ایستد در حالی که چهارپایان دیگر قدرت چنین کاری را ندارند.

ـ شتر می‌تواند روزهای متوالی حدود یک هفته الی ده روز تشنه بماند و در مقابل گرسنگی نیز تحمل بالایی دارد.

ـ شتر می‌تواند هر روز مسافت طولانی را طی کند و از زمین‌های صعب‌العبور و شنزارهایی که هیچ حیوانی قادر به عبور از آنجا نیست بگذرد و به همین دلیل عرب‌ها آن را کشتی بیابان نامیده‌اند.

ـ شتر از نظر تغذیه بسیار کم خرج است و هرگونه خار و خاشاکی را می‌خورد.

ـ شتر در شرایط نامساعد جوّی در میان طوفان‌های بیابان که چشم و گوش را کور و کر می‌کند با وسائل خاصی که خداوند در پلک‌ها و گوش‌ها و بینی او آفریده، مقاومت می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد.

ـ شتر با تمام قدرتی که دارد از رام‌ترین حیوانات است به طوری که یک کودک خرد سال می‌تواند مهار یک قطار شتر را در دست گرفته و هر کجا که خاطر خواه او است ببرد.

ویژگی‌های این حیوان چنان است که دقّت در آفرینش او، انسان را متوجه خالق بزرگی می‌کند که آفریننده چنین موجودی است. قرآن می‌فرماید آیا این گمشدگان وادی غفلت به اسرار شگفت‌انگیز این موجود اندیشه نمی‌کنند تا راهی به حق یافته و از بیراهه بازگردند![1]

۲. زنبور عسل

زنبور عسل، کتابی است که هر کس آن را مطالعه کند به درس‌های جدیدی می‌رسد. در اینجا می‌طلبد تا چند درس از زنبور عسل را بیان کنیم و به تفکر بنشینیم که به‌راستی چه کسی اینها را در نهانش و وجودش قرار داده است؟!

قرآن‌کریم نکاتی را مطرح نموده که آن‌ها را می‌توان در زندگی زنبورهای عسل مشاهده نماییم و از آن‌ها الگو برداری کنیم:

الف) اهمیّت به کار و کوشش

﴿وأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى﴾[2]: برای انسان چیزی نیست جز آنچه با سعی به دست می‌آورد. دو یا سه گُل برای غذای شبانه‌روز زنبور کافی است و در مدت کمی می‌تواند غذای تمام عمر خود را فراهم کند ولی گاهی اتفاق می‌افتد که کارگران کندو، چهل یا پنجاه کیلو عسل می‌دهند.

ب) تقسیم کار و وظیفه‌شناسی

﴿فَالْمُقَسِّماتِ أَمْراً﴾[3]؛ آنها از وظیفه خود تخطی نمی‌کنند؛ حتی در خارج از کندو و یکی از وظایف آنها لقاح گل‌ها به وسیله گردافشانی است. اما آنها

---

۱ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲۶، ص۲۴۲ـ۲۴۴.

۲ . نجم: ۳۹.

۳ . ذاریات: ۴.

هیچ‌وقت دو رنگ غبار و یا دو رنگ گل را با هم مخلوط نمی‌کنند هر زنبوری می‌داند که در مدت عمر خود ۱۲۵ گرم عسل باید بدهد.

ج) اتفاق و اتحاد

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا﴾[1]؛ هنگام مهاجرت کندو و ایجاد کندو و یافتن مکان جدید همگی با هم حرکت می‌کنند واین کار را انجام می‌دهند واگر حیوانی به کندوی آنها هجوم برد که گروه محافظ نتوانند از عهده آنها بر آیند اعلام خطر کرده همه به او حمله‌ور می‌شوند.

د) نظم و نظافت

آن‌ها هیچگاه به روی کثافات نمی‌نشینند و اگر احیاناً یکی از آنها ربوده شده باشد مرزبانان از ورود او به کندو جلوگیری می‌کنند و برای عبرت دیگران او را تنبیه می‌کنند و نیز با شاخ‌ها و موهای زبری که روی پاهایشان قرار دارد مرتب خود را تمیز می‌کنند. در داخل کندو نیز کارگرانی مشغول تمیز کردن نقاط مختلف کندو هستند و اگر جنازه‌ای را یافتند یا آن را خارج می‌کنند و یا آن را مومیایی کرده و در گوشه‌ای مانند قبر ساخته ومرده را در آن محل دفن می‌کنند و به وسیله موم آن را می‌پوشانند.

۲. مورچه

نسبت به مورچه‌ای که ما این‌قدر بی‌اهمیت هستیم، ببینید خداوند متعال چه قدرتی به او داده است که چند برابر وزن خویش را به‌راحتی و برخلاف قانون جاذبه زمین حرکت می‌دهد؟!

۳. پرندگان

پرندگان به‌راحتی و بر فراز آسمان، هفته‌ها، ماه‌ها و گاهی هم سال‌ها پشت سر هم به حرکت سریع و نرم خود ادامه می‌دهند، بی‌آنکه مشکلی در پرواز داشته باشند؛ چه کسی این قدرت را به آنها داده است؟ و دانش پرواز را به آنها

---

۱ . آل عمران: ۱۰۳.

آموخته؟ و مخصوصاً در پروازهای پیچیده دسته جمعی پرندگان مهاجر که گاه چندین ماه به طول می‌انجامد و هزاران کلیومتر راه را می‌پیمایند و به مقصد خود می‌رسند. راستی چه کسی این نیرو را به آنها داده است؟ خداوند در پایان آیه ۱۹ سوره ملک می‌فرماید: «جز خدای رحمان چه کسی آنها را بر فراز آسمان نگه می‌دارد؛ چرا که او به هر چیز بینا است و نیاز هر مخلوقی را می‌داند».

نتیجه آنکه با دقت در این آیات و نشانه‌ها درمی‌یابیم که همه اینها را خداوند متعال در نهانشان قرار داده و اینها نشانه‌هایی هستند از قدرت خداوند متعال. به امید آنکه در رفتار صحیح خود با این نشانه‌های الهی، شکرگزار نعمت‌های باری‌تعالی باشیم.

قرآن و ضرب‌المثل به حیوان

قرآن، کتاب هدایت بشر در تمام اعصار است. سبک و سیاق نوشتاری آن متفاوت از دیگر کتاب‌ها بوده و تعالیم خود را به منظور فهم همه انسان‌ها، گاه با زبان ادبی و هنری در قالب مَثَل، قصّه، و... بیان نموده است. از دیدگاه برخی، یک چهارم قرآن و از نگاه بعضی دیگر، یک ششم آن در قالب داستان یا قصّه بیان شده و قریب به شصت مَثَل در آن وجود دارد.

عرب، عادت دارد که در رویارویی با دشمن، گاهی از ضرب‌المثل و گاهی از شعر بهره گیرد. قرآن کریم نیز از این شیوه استفاده کرده و از حیوان، ضرب‌المثل آورده است؛ مثلاً پشه، حشره ضعیفی است و انسان می‌پندارد، موجود بیهوده‌ای است و سزاوار ضرب‌المثل نیست در حالی‌که قرآن به آن تمثّل جسته تا نظرها را به سوی او متوجه کند تا بیندیشند که خداوند هیچ چیز را بیهوده نیافریده و بر اساس حکمتی که تنها خودش می‌داند، آفریده است. علم، به خوبی دریافته است که از این پشه به ظاهر ناتوان، کاری ساخته است که بشر قادر به انجام آن نیست. او قادر است، بر روی آب راه برود چنان‌که می‌تواند در

هوا پرواز کند. پشه خطرناک‌ترین حشره‌هاست و عامل انتقال بسیاری از بیماری‌ها که مهم‌ترین آن مالاریا است. این همان حشره است که خواب از چشم انسان می‌رباید و خونش را می‌مکد و خداوند بدین گونه از او یاد کرده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لاَ يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا﴾[1]: خدا را باک از آن نیست که به پشه و چیزی بزرگتر از آن مثل زند.

۱. ویژگی‌های پشه

هنگامی که در آیات قرآن مثل‌هایی از این دست نازل گردید جمعی از مشرکان این موضوع را بهانه قرار داده و زبان به انتقاد گشودند و مسخره کردند که این چگونه وحی آسمانی است که سخن از عنکبوت و مگس و پشه می‌گوید؟!

بهانه‌جویان اگر در ساختمان این حیوان بسیار کوچک می‌اندیشیدند، می‌فهمیدند که یک دنیا دقت و ظرافت در ساختمان آن به کار رفته که عقل در آن حیران می‌ماند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند به پشه مثال زده با اینکه از نظر جسم بسیار کوچک است، ولی از نظر ساختمان، همان دستگاه‌هایی را دارد که بزرگ‌ترین حیوانات (در خشکی) یعنی فیل داراست و علاوه بر آن دو عضو دیگر (شاخک‌ها و بال‌ها) در پشه است که فیل فاقد آن است .

خرطوم پشه همانند خرطوم فیل توخالی است و با نیروی مخصوص، خون جذب می‌کند. این لوله، ظریف‌ترین سرنگ‌های جهان است و سوراخ درون آن فوق‌العاده باریک است. خدا نیروی جذب، هضم و همچنین دست و پا و گوش به او داده است، بال‌هایی به او مرحمت کرده تا در طلب غذا پرواز کند، این بال‌ها آن‌چنان به سرعت بالا و پایین می‌شود که حرکت آن با چشم قابل رؤیت نیست، این حشره به قدری حساس است که به مجرّد تکان خوردن چیزی،

۱ . بقره: ۲۶.

احساس خطر می‌کند و به سرعت خود را از منطقه خطر دور می‌سازد و عجب این است که در عین ناتوانی، بزرگ‌ترین حیوانات را عاجز می‌کند.

۲. ویژگی‌های مگس

مگس که به سبب کثافت و انتقال میکروب‌ها عرصه حیات را بر انسان تنگ کرده است، علم امروز دریافته که عامل انتقال سی نوع بیماری است و خداوند در تحدی با مشرکان بدان مثل زده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ إِن يَسْلُبْهُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ﴾.[1]

بر خلاف تصور ما انسان‌ها، مگس نه تنها موجود بی‌ارزشی نیست بلکه از عجایب خلقت است. این موجود ریز و کوچک‌اندام علی‌رغم جثه کوچکش، دارای دستگاه تنفس، دستگاه تغذیه، دهان، زبان، معده، روده، سلسهٔ اعصاب فهم و ادراک، چشم مرکب، گوش، ماهیچه‌های بسیار قوی که به وسیلهٔ آن می‌تواند بال‌هایش را با سرعت زیاد به حرکت در آورد.

ساختمان بدن این موجود به مراتب پیچیده‌تر و دقیق‌تر از ساختمان یک هواپیمای بزرگ است و ساختن چنین هواپیمایی آسان‌تر از خلقت یک مگس است، زیرا هواپیما تولید مثل نمی‌کند، ادراک و شعور و اراده ندارد، قادر به تهیه غذای خویش نیست، قدرت دفاعی ندارد و... ولی مگس توانایی انجام تمامی این کارها را دارد!

بالگرد از روی ساختمان مگس و سنجاقک ساخته شده است. مگس با بال‌هایش با سرعت پرواز می‌کند و با حسگرهایش هر حرکتی را در اطراف تشخیص می‌دهد، لذا سریع از خطرات پیش‌رو فرار می‌کند و با چشم‌های مرکبش اطراف را می‌بیند، با دست‌هایش اطراف دهان و دهانش را تمیز می‌کند و

---

۱ . حج: ۷۳.

با بال‌هایش در هوا در جا کار می‌کند، جلو، عقب، بالا و پایین می‌رود. مگس با تمام کوچکیش از شاهکارهای آفرینش است.[۱]

زبان مثال و تشبیه، شیرین، جذاب و تأثیرگذار است. گاهی یک مثال یا یک ضرب‌المثل یا یک تمثیل، از یک سخنرانی یک ساعته یا یک کتاب قطور، گیراتر و مؤثرتر است. خداوند هم در قرآن به حیوانات مثال زده و از این طریق مفاهیم والایی را به انسان آموزش می‌دهد.

تکامل و حشر حیوانات در قیامت

از اصول اعتقادی تمامی مسلمانان، جهان پس از مرگ و زندگی اخروی(حشر) موجودات است. برای متکلمان این پرسش مطرح است که آیا زندگی حیوانات با مرگ پایان می‌پذیرد یا آنان نیز همچون انسان پس از مرگ به جهان آخرت سفر کرده و از زندگی غیر مادّی برخوردار خواهند شد.

اگر به این نتیجه برسیم که حیوانات هم دارای حشر هستند مطمئناً در رفتارمان دقّت خواهیم کرد، زیرا در صورت حشر حیوانات، فردای قیامت در پیشگاه خداوند کسی که به حیوانات ظلم کرده مورد بازخواست واقع خواهد شد لذا با بررسی آیات و روایات مسأله حشر حیوانات را بیان می‌کنیم.

حشر حیوانات از دیدگاه قرآن

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ یَطِیرُ بِجَناحَیْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثالُکُمْ ما فَرَّطْنا فِی الْکِتابِ مِنْ شَیْءٍ ثُمَّ إِلی رَبِّهِمْ یُحْشَرُون﴾[۲]: هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند.

---

۱ . مکارم شیرازی، مثل‌های زیبای قرآن، ج۲، ص۹۱؛ تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۱۷۲.
۲ . انعام: ۳۸.

در ابتدای آیه بیان شده که هر یک از انواع حیوانات و پرندگان برای خود امتی هستند همانند انسان‌ها مثل شما مردم[1]، این آیه شباهت و همانندی در چند جهت است؛ بعضی شباهت آنها را با انسان از ناحیه اسرار شگفت‌انگیز خلقت آنها دانسته‌اند و بعضی از جهت نیازمندی‌های مختلف زندگی و یا وسائلی که با آن احتیاجات گوناگون خود را برطرف می‌سازند، می‌دانند و بعضی هم شباهت آنها را با انسان از نظر درک و فهم و شعور می‌دانند[2]، یعنی همچون شما زنده‌اند و همچون شما می‌میرند و همچون شما زنده می‌شوند تا حق‌تعالی هر صاحب حقی را به حقش برساند و هیچ مظلومی را بر ظالمی حقی نماند.

در خبر آمده است که روز قیامت چون خلائق را در موقف عرضه بدارند، بساط عدل را بگسترانند و ترازوی عدل بیاورند و منادی ندا کند از طرف خداوند هر مظلومی که حقی دارد بر ظالمی، برخیزد و داد خود را از او بخواهد. آنگاه خداوند جمله حیوانات را که بر او عوض دارند یا بر یکدیگر عوض خواهند، همه را جمع کند و بین آنان انتصاف کند.[3]

نکته قابل توجه در آیه مورد بحث این است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ يُحْشَرُون﴾ و ضمیر «هُم» انواع پرندگان و جنبندگان را در بر می‌گیرد، به این ترتیب قرآن برای آنها نیز رستاخیز و حشر قائل است.[4]

در بیانی دیگر این جمله عمومیت حشر را می‌رساند به حدّی که شامل حیوانات هم می‌شود و از آن برمی‌آید که زندگی حیوانات، نوعی از زندگی است که مستلزم حشر به سوی خداوند است، همان‌طوری که زندگی انسانی مستلزم

---

۱ . طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج۱۳، ص۱۱۲؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۵، ص۲۷۹.

۲ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۵، ص۲۷۹ـ۲۸۰.

۳ . خزائلی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۲۸۱ـ۲۸۲.

۴ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۵، ص۲۸۱.

آن است؛ لذا ضمیر «هُم» را که مخصوص ذوی‌العقول و صاحبان شعور است درباره حیوانات بکار برده و فرموده: ﴿إِلى رَبِّهِمْ يُحْشَرُون﴾ و نفرمود: «إلی ربّها» و این خودش اشاره دارد به اینکه ملاک اصلی رضای خدا و ثواب و عقابش در حیوانات نیز است.[1]

ابوالفتوح رازی در ذیل این آیه بیان می‌کند: «پس همه را خداوند متعال محشور و جمع می‌کند و مکّلفان را برای جزا و حساب از ثواب و عقاب و نامکلفّان را برای عوض».[2] شبیه همین تفسیر را شیخ طوسی در تبیان بیان فرموده در معنای این آیه: «بعد از مرگشان همانند بندگان نزد خداوند متعال در روز قیامت حاضر می‌شوند تا عوض به آنها داده شود».[3]

بر پایه آیات وارد شده حشر دو گونه است: ۱ـ حشر اصغر: یعنی محشورشدن انسان‌ها در قیامت برای حسابرسی در پای میزان عدل الهی و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم؛ ۲ـ حشر اکبر: یعنی حرکت همه موجودات به سوی خدا، بلکه بالاتر از آن صیرورت و تحول آنان نه سیر به طرف ذات اقدس الهی.

آیه مورد بحث نیز حشر اکبر چهارپایان و طیور را اثبات می‌کند. بر پایه این آیه حیوانات حشر دارند و به سوی محشر در حرکت‌اند؛ چون اگر با داشتن کمالات حشری نداشته باشند و با مردن نابود گردند، لغویت لازم می‌آید.

در آیه دیگر نیز آمده است: ﴿وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَت﴾[4]: و در آن هنگام که وحوش جمع می‌شوند. در آغاز سوره با اشارات کوتاه وهیجان‌انگیز و تکان‌دهنده‌ای از حوادث هولناک پایان جهان و آغاز رستاخیز برخورد می‌کنیم

---

۱ . طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج۱۳، ص۱۲۹.
۲ . خزائلی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۲۸۴ .
۳ . طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۱۲۷.
۴ . تکویر: ۵.

که یکی از نشانه‌ها، اشاره به حشر حیوانات وحشی می‌باشد. همان حیواناتی که در حالت عادی از هم دور بودند و از یکدیگر می‌ترسیدند و فرار می‌کردند، ولی شدت وحشت حوادث هولناک آستانه قیامت آن‌چنان است که اینها را گرد هم جمع می‌کند؛ البته بسیاری از مفسران معتقدند که آیه فوق اشاره به حشر حیوانات وحشی در دادگاه قیامت است که آنها نیز در عالم خود و حدود آگاهی خویش مسئولیت‌هایی دارند و اگر ظلم و ستمی به یکدیگر کرده باشند در آنجا از آنها قصاص می‌شود.

علّامه طباطبایی بیان می‌کند که کلمه «وحوش»، جمع وحشی است. این کلمه به معنای حیوانی است که هرگز با انسان‌ها اُنس نمی‌گیرد مانند درندگان و امثال آنها و ظاهر آن این است که وحشی‌ها هم در روز قیامت مانند انسان‌ها محشور می‌شوند و آیه ۳۸ سوره انعام این مطلب را تأیید می‌کند.[۱]

نتیجه‌ای که از این آیات به دست می‌آید این است که همه مفسران برای حیوانات قائل به حشر هستند اما در کیفیت آن اختلاف دارند؛ برخی می‌گویند حشر آنها مردن آنها است و برخی هم می‌گویند آنها بعد از پاداش گرفتن و کیفر دیدن می‌میرند و بعضی هم قائلند که آنها مانند انسان محشور می‌شوند.

علامه طباطبایی در مورد حشر حیوانات عقیده دارد که حیوانات هم مانند انسان‌ها حشر دارند. با توجه به آیه ﴿ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ همین مضمون به دست می‌آید و از روایات هم بدست می‌آید که با حیوانات همانند موجودات بی‌جان چون سنگ و چوب نمی‌توان رفتار کرد، بلکه در برخورد با آنها باید قیامت و حشر آنها را مدّ نظر داشت که فردای قیامت به خاطر اذیت کردن آنها باز خواست می‌شویم.

---

۱ . طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج۴، ص۸۰ـ۸۱.

نهی از آلوده کردن محیط زیست

انسان در آغاز زندگی، موجودی تابع طبیعت بوده و برای زیستن خود به سخاوت آن نیاز داشته است. همچنین از قدرت طبیعت به هنگام وقوع طوفان، طغیان آب و فوران آتشفشان و حوادثی مانند آن، ترس و وحشت داشته است. انسان خود را ناچار دید تا برای استفاده بهتر و بیشتر از مواهب طبیعی و نیز حفاظت از خود در برابر محیط، بر دامنه اطلاعات خویش بیافزاید. به این ترتیب آموخت که حیوانات را اهلی کند، از گیاهان بهتر استفاده کند و پناهگاه‌های محکم‌تری برای خود بسازد. به مرور زمان در طبیعت نفوذ و دخالت کرد، اقلیم مناطق را دگرگون ساخت، رودها و حتی دریاچه‌های مصنوعی به وجود آورد و با دخالت‌هایش، تعادل طبیعت را بر هم زد و باعث بی‌نظمی و نابسامانی در آن شد. بشر به موازات این اقدامات، متوجه خساراتی شد که به محیط زیست وارد ساخته است و این آگاهی به تدریج افزایش یافت.

درکشور ما، حمایت از محیط زیست و سالم نگه داشتن آن، موضوعی است که از دیرباز مورد توجه بوده است. در روزگاران کهن، متأثر از افکار دینی، توجه خاصی در این باره وجود داشته است و با ظهور مکتب نورانی اسلام بر میزان و چگونگی این حمایت نیز افزوده شد.

در ذیل به آیات و احادیث موجود درباره انواع آلودگی‌های زیست محیطی می‌پردازیم:

۱. آلودگی هوا

از جمله آیاتی که برای نهی از آلوده نمودن هوای محیط زیست می‌توان به آن استدلال کرد آیات زیر است:

﴿وَ لا تُفسِدُوا فِی الأرضِ بَعدَ إِصلاحِهَا ...﴾[1]: زمین را بعد از اصلاح، فاسد نکنید. آلوده کردن هوای محیط زیست، فساد در زمین محسوب می‌گردد. هوای محل زندگی چون ماده حیاتی است، آلوده کردن آن اقدام به هلاکت نفس تلقی می‌گردد. از منظر روایات نیز می‌توان به این روایت امام صادق7 از نبی اکرم ﷺ اشاره کرد: «**نهی رسول الله ﷺ أن یلقی السم فی بلاد المشرکین**»[2]: رسول خدا از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی فرموده‌اند.

۲. آلودگی آب

آیات قرآن کریم: ﴿وَ جَعَلنَا مِنَ المَاءِ کُلّ شَیءٍ حَیٍّ أفَلا یؤمِنُونَ﴾[3]: و همه چیز را از آب آفریدیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟!

و نیز: ﴿وَ هُوَ الّذِی أنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأخرَجنَا بِهِ نَبَاتَ کُلِّ شَیءٍ...﴾[4]: او کسی است که از آسمان آب را فرستاد و همه نباتات را ما به وسیله آب رویاندیم. در این مورد آیات فراوان دیگری هم وجود دارد.

۳. آلودگی خاک

آیات قرآن کریم: ﴿الّذِی جَعَلَ لَکُم الأرض فِراشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً...﴾[5]: او کسی است که زمین را فرش زیرپا و آسمان را سقف برای شما قرار داد.

و نیز: ﴿یَومَئِذٍ تُحَدِّثُ أخبَارَهَا بِأنّ رَبَّکَ أوحَی لَهَا﴾[6]: یعنی روز قیامت زمین از اخبار خود سخن می‌گوید به آنچه که خداوند به آن وحی نموده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، زمین عنصری با شعور تلقی شده است که گنجینه اسرار الهی است.

---

۱. اعراف: ۵۶.
۲ . کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۸، ح۲.
۳ . انبیاء: ۳۰.
۴ . انعام: ۹۹.
۵ . بقره: ۲۲.
۶ . زلزال: ۴ـ۵.

حفاظت از محیط زیست به معنای عدم بهره‌برداری یا حتی کمتر استفاده کردن از منابع طبیعت نیست، بلکه استفاده بهینه و عاقلانه از طبیعت است که همواره مورد تأکید کارشناسان بوده است. اسلام به عنوان دینی که ورای زمان و مکان می‌تواند نیازهای بشر را در همه اعصار پاسخ دهد، حاوی مفاهیم، تعالیم و راهکارهای کاملی در خصوص چگونگی مواجهه و هماهنگی با پدیده‌های زیست محیطی می‌باشد. تحقیقات دانشمندان علوم دینی در جهان نشان می‌دهد که تمامی ادیان الهی به حفاظت از محیط زیست توجه داشته‌اند، اما دین اسلام دستورات مشخص و مؤکدی در این راستا دارد.

بررسی متون و مستندات مختلف دین اسلام، نشانگر وجود دیدگاه‌های مشخصی در راستای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی است. خداوند منان، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر گرفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است[1]، این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است.

فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود باعث تخریب محیط زیست شده است. این تخریب آن‌چنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات او و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته است. شرایط به‌وجود آمده به حدی وخیم است که امروزه از آن به عنوان «بحران محیط زیست» یاد می‌شود. برای رهایی از این

---

۱ . قمر: ۴۹.

بحران باید به اصول اخلاقی و متون دینی به‌ویژه اسلام مراجعه کنیم، زیرا مبنای پیدایش بحران زیست محیطی کنونی، بحران اخلاق در میان انسان‌هاست.

در قرآن کریم از نابود کردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و بر این اساس، کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود.[1] درست است که خداوند طبیعت را مقهور انسان آفریده و انسان را به عنوان جانشین خود در زمین قرار داده است، اما این بدان معنا نیست که او آزاد باشد تا هر گونه که مایل است رفتار کند. انسان در برابر خداوند و تمامی آفرینش مسئول است. او باید در برابر اراده خداوند تسلیم باشد و با صلح و صفا در کنار طبیعت زندگی کند. به عبارت دیگر، انسانی که جانشین خداوند در زمین است باید همواره در راه حفظ و سلامت طبیعت بکوشد.

بدون شک محیط زیست سالم یکی از نعمات الهی و بخشی از نظام خلقت می‌باشد که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد؛ یعنی جهان و هر آنچه که در اوست، تصویری از خداوند واحد است. در اسلام هر گونه رفتاری که منجر به فساد در عرصه محیط زیست شود نهی شده است، چرا که خداوند بارها در قرآن کریم درباره ایجاد فساد در روی زمین هشدار داده است. از این روست که حکومت اسلامی، کردار انسان را در مواجهه با محیط زیست، نظارت و کنترل کرده و علاوه بر تنبیه افرادی که به محیط زیست آسیب می‌رسانند، به کسانی که از نتیجه سوء کردارشان بر محیط زیست بی‌خبرند هشدار می‌دهد.

اسلام بین انسان و محیط زیست، جدایی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر می‌داند، ازاین‌رو دین اسلام کامل‌ترین سفارشات را برای حفاظت از

---

۱ . مائده: ۸۶.

محیط زیست دارد و تمامی جنبه‌های انسانی را در ارتباطی هماهنگ و موزون با مسیر الهی، در قرآن کریم به تصویر کشیده است.

خوشبختانه کشور ما با قرار گرفتن در محل تلاقی فرهنگ اصیل ایرانی و تعالیم عالی اسلامی از پتانسیل بالایی در زمینه حفاظت و حرمت محیط زیست برخوردار است. کتب ادبی ما سرشار از اشعار و تمثیل‌هایی است که بیانگر ارزش والای طبیعت از دیدگاه ایرانیان به عنوان آیه‌ها و نشانه‌های شناخت و عشق به معبود است. آب، نان و هر جزئی از طبیعت از دیدگاه ایرانیان تنها به عنوان منابع مصرفی محسوب نمی‌گردند بلکه نمونه‌هایی از رحمانیت، قدرت و تدبیر باری تعالی به حساب می‌آیند. به همین دلیل ایرانیان به نمک که ظاهراً فراوان‌ترین و کم‌ارزش‌ترین منبع طبیعی است قسم می‌خورند، نان را لگد نمی‌کنند و آلوده کردن آب را گناه می‌شمرند.

۴. تجاوز و تعدی نسبت به محیط زیست؛ افساد در زمین

قرآن کریم از تعادل محیط زیست با واژه موزون یاد می‌نماید، زیرا می‌فرماید: «و زمین را گستردیم و در آن کوه‌های استوار برنهادیم و در آن از هر چیز متناسب و موزون رویاندیم...»: ﴿وَالأرضَ مَدَدناها وَ ألقینَا فِیهَا رَوَاسِیَ وَ أنبَتنَا فِیهَا مِن کُلِّ شَیءٍ مَّوزُن﴾.[1] بدیهی است هر گونه تصرف در طبیعت که موزون و متناسب بودن عناصر و موجودات طبیعت را برهم زند افساد در ارض است. قرآن کریم تخریب محیط زیست را فساد در زمین می‌داند، لذا می‌فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید»: ﴿...وَ لا تُفسِدُوا فِی الأرضِ بَعدَ إصلاحِهَا﴾.[2]

رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است؛ بدیهی است نادیده گرفتن چنین عهدی موجب

---

۱ . حجر: ۱۹.

۲ . اعراف: ۸۵.

خسران است: ﴿وَ الَّذِینَ یَنقُضُونَ عَهدَاللَّهِ مِن بَعدِ مِیثَقِهِ وَ یَقطَعُونَ مَا أَمَرَاللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ وَ یُفسِدُونَ فِی الأَرضِ أولئِکَ لَهُمُ اللَّعنَهُ وَ لَهُم سُوءُ الدَّارِ﴾.[1]

قرآن کریم، تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته است؛ چنان‌که می‌فرماید: «ضایع مکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چرا که متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود».[2] برخی از محققان از این آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن، بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را بر هم زند از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد.

قرآن کریم ضمن شناسایی حق بهره‌مندی از ارزاق نهفته در زمین از سرکشی در بهره‌وری از آن نهی نموده است: ﴿کُلُوا مِن طَیِّباتِ وَ لا تَطغَوا فِیهِ فَیَحِلَّ عَلَیکُم غَضَبِی وَ مَن یَحلِل عَلَیهِ غَضَبِی فَقَد هَوَی﴾.[3]

با امعان نظر در نهی از طغیان در بهره‌وری از رزق الهی می‌توان ممنوعیت و حرمت تخریب محیط زیست و از بین بردن زمینه استفاده دیگران را استظهار نمود. بدیهی است کسی که با طغیان خود رزق الهی برای بشر را تخریب نماید، مشمول غضب خداوند می‌گردد و غضب خداوند موجب سقوط او خواهد شد. از لسان قرآن کریم در برخورد با متجاوزان به منابع رزق، در می‌یابیم که تجاوز به حریم طبیعت و منابع زیستی آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را به همراه دارد، لذا می‌توان مجازات متناسب با آن را با استناد قواعد حقوقی کیفری اسلامی شناسایی و مقرر نمود؛ چنان‌که آیات قرآن کریم،

۱ . رعد: ۲۵.
۲ . مائده: ۸۶.
۳ . طه: ۸۱.

آشکارا اهمیت طبیعت و لزوم حمایت از آن و ضرروت «پاسخ دادن» همه جانبه کیفری و غیر آن را بیان کرده است.

بنابراین تخریب محیط زیست و افساد در زمین، نه تنها ظلم به نوع بشر و موجودات زنده است بلکه از مصادیق برجسته ظلم، اثم و جرم است. آلوده‌سازی آب، خاک، هوا که موجب زیان رسیدن به انسان‌ها و موجودات دیگر می‌شود را باید ظلم و حرام به شمار آورد و مجازات متناسب و روش‌های جبران خسارت را با روش اجتهادی از ادله و منابع فقه، استخراج و ارائه نمود.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی حقوق انواع حیوانات بیان شد. از موجودات ذره‌بینی تا غول‌پیکر، از اهلی تا وحشی، از درنده تا گزنده و چرنده و پرنده و آبزی و خشک‌زی، همه و همه از دید خداوند سبحان پنهان نماندند. از نوزاد حیوان وحشی تا تخم یک پرنده و جوجه تازه‌پای آن‌ها را سفارش به مهربانی نمودند. با قاتلان حیوانات، وعده برخورد دنیوی و اخروی داد. برای کشنده یک قورباغه جریمه تعیین فرمود و برای قاتل یک گنجشک، محاکمه در قیامت قرار داد.

از محل خواب، خوراک، علف، و تمام مواد و ضروریات زندگی حیوان سخن و سفارش فرمود. از مهربانی با حیوانات تعریف نمود و همه را به رعایت حال حیوانات و شکنجه نکردن آن‌ها تشویق و ترغیب فرمود.

راهکارهای پیشنهادی

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این مقاله و بحث و نتیجه‌گیری به عمل آمده، موارد زیر را به منظور پایداری محیط زیست پیشنهاد می‌کنیم:

۱. به شهادت تاریخ گذشته و معاصر، شگفت‌انگیزترین رفتارهای اجتماعی (چه در جهت رشد و چه در جهت ارتجاع)، بستری اعتقادی داشته‌اند. بنابراین شایسته است تا جوامعی که عزم خود را به اعتلا و رشد و پایداری زیست محیطی خویش عزم کرده‌اند از این ویژگی به نحو شایسته استفاده کنند.

۲. باید بر آگاه‌سازی افراد تأکید شود که برای تحقق پایداری تلاش می‌نمایند.

۳. در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین برنامه‌های توسعه پایدار، تعادل مد نظر قرار گیرد که مهم‌ترین آن بها دادن به انسان‌هاست.

۴. احترام به محیط زیست، نتیجه آموزش تعالیم دینی در این باره است؛ ازاین‌رو، از این نوع آموزش‌ها، باید بیشتر بهره گرفت.

۵. باید مروّج کشاورزی با ملاحظات انسانی آن بود و نباید فراموش کرد که تا ایجاد یک نظام کشاورزی پایدار، راهی بس طولانی در پیش است. امید آن که بتوان رسالت ترویجی خود را برای ایجاد نظام کشاورزی با ابعاد انسانی و اخلاقی نشان دهیم و موجبات ترقّی و تعالی بشریت را فراهم آوریم.

۶. برخی از مسئولان در عمل، این اهرم قدرتمند(تلاشهای دینی) در قلمرو حفاظت محیط زیست را مورد بی‌مهری قرار داده و بدان توجهی نکرده‌اند و تنها جسته و گریخته اقداماتی صورت داده‌اند که چندان مؤثر نیست؛ توصیه می‌شود که مسئولان از این اهرم قدرتمند کمال بهره را ببرند و راهکارهای محافظتی به کمک اعتقادات اسلامی را از طریق تحقیق، تعیین کنند.

۷. اجرای سیاست توسعه پایدار و بی‌زیان، نیازمند اعمال تغییرات اساسی در معیارها و ارزش‌هاست. امروزه، دلیل اصلی تخریب محیط زیست، بی‌مسئولیتی و عدم توجه به ارزش‌های والای انسانی است؛ به همین دلیل باید در ارزش‌ها تحولی اساسی صورت گیرد.

۸. درک مسائل محیط زیست برای اذهانی که امور را از دریچه تنگ منافع خصوصی یا سوداگری صرف می‌نگرند، آسان نیست. به همین دلیل آموزش عمومی مردم در زمینه محیط زیست، باید در دستور کار رسانه‌های گروهی و مراکز تبلیغی قرار گیرد تا از این طریق، نگرش آنها را نسبت به طبیعت اصلاح کرد و رفتار آنان را با طبیعت متعادل ساخت.

۹. کشورهایی که خود را اسلامی می‌دانند باید طبق اصول و معیارهای ذکر شده در این مقاله عمل کنند؛ باید اندیشه افزون‌طلبی و سودجویی افراطی را که موجب نادیده انگاشتن تعادل محیط زیست است، کنار بگذارند.

۱۰. آلودگی و نابودی محیط زیست مثل آتش است که هیزم تَر و خشک را می‌سوزاند. تمامی ساکنان کره زمین باید برای پایداری محیط زیست مشارکت کنند. کشورهای اسلامی باید سعی کنند به کشورهای غربی فشار آورند تا بیش از همه مسائل جهانی، حفظ محیط زیست را رعایت کنند و به علاوه سهم مالی بیشتری را برای بازسازی و پاکسازی محیط زیست بپردازند.

ناگفته نماند که برنامه‌ریزی و دادن تضمین‌های دولتی برای تشویق مردم جهت سهم‌گیری در ایجاد محیط زیست خیلی مهم است ولی اساسی‌ترین کار در این زمینه، «فرهنگ‌سازی زیست محیطی» است؛ «فرهنگ‌سازی» از سنین پایین شروع شود، مثلاً در مهد کودک، مکتب‌خانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و اجتماعی از محیط زیست آموزش داده شود؛ ممکن است در کوتاه مدت حفظ محیط زیست با منافع مردم در تقابل باشد؛ ولکن پس از به دست آوردن اهمیت مواظبت از محیط زیست، این مشکل مقطعی حل خواهد شد. در این مورد باید کار فرهنگی کرد و این صرفاً از ارگان‌های دولتی بر نمی‌آید، در عین حال مسئولان و مدیران دولتی هم باید به موضوع محیط زیست آگاه باشند و برای آگاهی دادن به دیگران نیز سرمایه‌گذاری کنند.

متأسفانه امروزه ما سرمایه‌گذاری در فرهنگ‌سازی زیست محیطی کشور نداریم. موضوع محیط زیست به عنوان رشته حتی در دانشگاه‌های ما هم وجود ندارد و فارغ‌التحصیلان ما نیز از اطلاعات زیست محیطی برخوردار نیستند؛ این فرهنگ باید عملاً در میان محصلین و فرهنگیان جا باز نماید و خردسالان از دورهٔ کودکستان گرفته تا به نوجوانان و جوانان ما که تحصیلات عالی دارند از

پارک‌ها و مناطق حفاظت شده بازدیدهای میدانی نمایند تا فرهنگ‌سازی زیست محیطی ایجاد گردد.

چندین سال است که خشکسالی، نابودی انبوهی از اشجار، جنگل‌ها و درختان را سبب گردیده؛ هرچند سال‌های اخیر هزاران اصله نهال غرس گردید، اما کمبودها در این راستا هنوز هم محسوس است. درختکاری در مملکت ما بخصوص در دوران‌های جنگ به یک موضوع فراموش شده تبدیل شده بود و مردم ما فراموش کردند که یکی از مظاهر زیبایی هر شهر و مملکت، سرسبزی آن می‌باشد و خداوند نیز در حدیث قدسی از زیبایی‌ها توصیف کرده و می‌فرماید: «**إنّ الله جمیل و یحب الجمال**» یعنی خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن
۲. خزائلی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن
۳. طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی
۴. جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، قم، نشر اسراء.
۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، انتشارات امام علی(ع)
۶. مکارم شیرازی، مثل‌های زیبای قرآن، قم، انتشارات امام علی(ع)